

تاب آوری والدین و خانواده ها

(بررسی پژوهشی عوامل موثر بر تاب آوری والدین و تأثیر تاب آوری آنها بر فرزندان و خانواده)

شواهدی در خصوص تاب آوری والدین و خانواده ها

بسیاری از یافته ها در خصوص تاب آوری در میان جوانانی که وارد مرحله بزرگسالی می-شوند وجود دارد و این نشان دهنده ارتباط آنها با والدین می باشد. ظرفیت ها و حمایت هایی که به تاب آوری آنها در مدیریت استرس و فشارهای روانی آنها کمک می کنند کماکان به قوت خود باقی است و این از نقش های والدین منتج می شود (به دست می آید). مطالعات بسیار اندکی نشان داده اند که چگونه ویژگی ها و خصوصیات در افراد علیرغم تجارب دردناک در دوران کودکی شان به آنها کمک می کند که فعالیت ثمربخش و مفید داشته باشند و این مساله همچنین به جابجایی موفقیت آمیز آنها در مراحل رشد و نیز تربیت کودکان توسط آنها در دوران بزرگسالی هم کمک می کند. کوینتن و روتر^۱ ۱۹۸۸. با این وجود، واژه تاب آوری اغلب به طور مستقیم در مطالعات و تحقیقات مرتبط با رشد و تربیت، مورد استفاده قرار نگرفته است هر چند بسیاری از کارها در خصوص حوزه رشد و تربیت کودکان و نیز حمایت ها و پشتیبانی های حوزه خانواده به طور غیر مستقیم بر اساس رشد و توسعه و یا ساخت بر پایه نقاط قوت خانواده ها که درگیر و در مواجهه با مشکلات و سختی های زندگی می باشند، متمرکز و معطوف است. پوق و همکاران ۱۹۹۵ و کوینتن^۲ ۲۰۰۴. یک مفهوم ارجح و اولویت دار نیز در ارتباط با حوزه ی انطباق و سازگاری می باشد که به طور ساده و آسانی به ویژگی های متداول و

1) Quinton and Rutter, 1988.(

2) Pugh et al., 1995; Quinton, 2004.(

یا رایج و متعارف حوزه رشد و نمو و تربیت کودک اشاره دارد و علاوه بر آن به معنای تطبیق و سازگاری با فشارهای مادی، احساسی و نیر فشارهای درون فردی می باشد. در معنای بعدی تطبیق و سازگاری موفقیت آمیز به معنای خود تاب‌آوری می‌باشد. اریکسون و هندرسون^۱ ۱۹۹۸ تصریح می‌نمایند که ایجاد تاب‌آوری در والدینی که در مواجهه با شرایط سخت و دشوار و پیچیده می باشند برای تضمین تاب‌آوری و اطمینان بخشی به آن در کودکان بسیار حائز اهمیت است.

هر چند که تاب‌آوری کودکان و والدین لزوماً به معنای تطبیق و همراستایی و همگونی و همسازی در نظر گرفته نمی‌شود. یک فرآیند و یا یک نتیجه و یا یک برآیند که برای یک والدین مجزا و منفرد تاب‌آوری معنا می‌شود ممکن است که برای حوزه رشد و نمو و تربیت نتایج ترکیبی و یا اینکه نتایج حتی منفی به بار داشته باشد. از آن گذشته والدین ممکن است که رفاه و راحتی خودشان را به منظور دور نگه داشتن کودکان خود از اثرات و تبعات فقر و یا جدایی خانوادگی فدا نمایند. میدلتون و همکاران^۲ ۱۹۹۵. در ارتباط با خشونت خانوادگی و یا موارد سوء مصرف الکل والدین، برخی از کودکان به یک شناخت متعارف و متناسب و یا مطلوبی از آنچه که قرار است اتفاق بیافتد نائل می‌شوند و این در زمانی است که دیگر والدین (معمولاً مادر) در تلاش است که آن مشکل را کوچک جلوه نماید و یا اینکه آن را اصلاً انکار کند. لیبورن و همکاران ۱۹۹۶ و اریکسون و هندرسون^۳ ۱۹۹۸.

بسیاری از ادبیات تحقیقات موجود اخیر که در پی بررسی و جست و جو و یا کنکاش مقولات تاب‌آوری والدین هستند خود واجد یک نگاه و یک بینش درمان‌محور بوده و یا اینکه

1 Erickson and Henderson (1998)

2) Middleton et al., (1995)

3) Laybourn et al., 1996; Erickson and Henderson, 1998

دیدگاه‌های حوزه مددکاری اجتماعی را دخالت می‌دهند و آنها را وارد می‌نمایند. و این معمولاً در شکل و شمایل مطالعات موردی صورت می‌گیرد. تحقیقات همچنین در پی آن هستند که به والدین کمک کنند در زمانی که در مواجهه با شرایط سخت و پیچیده و یا دشوار ناشی و یا برخاسته از خصایص و یا ویژگی کودک خودشان از قبیل معلولیت و یا ناتوانی و یا مشکلات و مسائل احساسی و رفتاری می‌باشد، به خوبی سازگار و منطبق شوند. و این کاملاً متفاوت از دیگر کارهای تحقیقاتی در حوزه تاب‌آوری می‌باشد. دیگر حوزه و بافتار همچنین به حوزه جدایی و طلاق مرتبط می‌شود. همچنین یک میزان کم و حداقلی پیرامون کار در حوزه واکنش‌ها به موضوع فقر وجود دارد. شواهد همچنین در خصوص آنچه که والدین در خصوص تاب‌آوری می‌اندیشند و تفکر می‌کنند هم اندک و کم می‌باشد. یک نمونه پژوهشی با برد و طیف کم به تبیین و توصیف شش خانواده استرالیایی (همه مادران) پرداخته است که به عنوان خانواده‌هایی که نیاز به حمایت و پشتیبانی بالا در خصوص کودک ناتوان و معلول دارند، شناسایی شده‌اند. گاردنر و هارمون¹ ۲۰۰۲. نکات قوتی که این زنان در خودشان و در خانواده‌هایشان آن را یافته‌اند بدین منوال است:

- نگرش‌های طولانی مدت و مستمر مثبت‌اندیشانه به زندگی
- یک رویکرد سامان یافته و منسجم مبتنی بر اعتماد به نفس
- تایید و تصدیق هم نقاط قوت و هم نقاط منفی یا محدودیت‌های خود
- والدین حمایت‌کننده و یا دیگر افراد و اشخاص حمایت‌کننده
- داشتن حس هدف مندی و یا در پاره‌ای از اوقات در ارتباط با باورها و اعتقادات

دینی

1) Gardner and Harmon, 2002

استراتژی‌های مقابله و سازگاری

روش‌هایی که در آنها والدین به مقابله و سازگاری می‌رسند تا اندازه‌ای به خود موقعیت و یا وضعیت متکی می‌باشد و به آن وابسته است، اما با این وجود یک تمایل و علاقه‌ای هم به پیروی و یا تبعیت از یک سبک خاص سازگاری و مقابله هم پدیدار شده است. همچنین کودکان بنا دارند که سبک‌های مقابله یا سازگاری خود را بر اساس سبک‌ها و اسلوب‌های والدین خود قرار بدهند.

طیف گسترده‌ای از تحقیقات به سازگاری مساله محور که برای طیف بیشماری از وضعیت‌های دشوار و سخت موفقیت آمیز بوده است، بیشتر از آنکه به واکنش‌های پرهیزمدار یا جلوگیری کننده و منفعل روی آورند، اشاره دارند. و این واکنش و پاسخ به سختی‌ها و شرایط دشوار را با اتخاذ اقدامات فعال برای اصلاح برخی از ویژگی‌ها و خصایص در یک محیط و یا در یک شخص که به آن مساله و یا مشکل تحت بررسی کمک می‌نماید و یا بر آن تاثیر گذار است، وارد می‌کند. شاپیرو و لوندوسکی ۱۹۹۹ استین و همکاران^۱ ۲۰۰۰. این رویکرد اثبات کرده است که به والدین در واکنش مثبت، زمانی که آنها کودکی با یک ناتوانی و معلولیت جدی و شدید و یا کودکی با مشکل جسمی و سلامتی دارند، کمک نموده است و موثر می‌باشد. لزار و مالدونادو ۱۹۹۶. گاردنر و هارمون ۲۰۰۲ هاجکینسون و لستر^۲ ۲۰۰۲. همچنین این رویکرد به طور مشابه به والدین دارای کودکان مورد سوء استفاده قرار گرفته هم تسری می‌یابد و نافذ و کمک کننده می‌باشد. هیم لین و ام سی ال راس^۳ ۱۹۹۷. دستاوردهایی هم برای

1) Shapiro and Levendosky, 1999; Stein et al., 2000(

2) Lesar and Maldonado, 1996; Gardner and Harmon, 2002; Hodgkinson and Lester, 2002

3) Himelein and McElrath, 1997(

مدل‌های شناختی-رفتاری اثبات شده است که هدف آن کمک به والدینی می‌باشد که مشکلات خود را تعیین می‌کنند و همچنین در ارائه راه‌حل‌ها و یا مسیرهای کمکی برای نیل و دسترسی به آنها هم مفید و سودمند می‌باشد. و اینها به طور خاص به تعاملات منفی والدین-کودک هم تسری می‌یابد همچنین شواهدی هم در خصوص نکات قوت و مثبت و یا منافع و مزایایی در حوزه عملکرد خانواده‌ها به طور کلی پیدا شده است. هربرت ۱۹۹۸ و هیل ۱۹۹۹ و کوینتن ۲۰۰۴.^۱

با این وجود استین و همکاران ۲۰۰۰^۲ نشان داده اند که سبک مقابله و یا سازگاری احساس محور در جاهایی که بزرگسالان به تغییر معنای آنچه که اتفاق می‌افتد می‌پردازند نیز موفقیت آمیز گزارش شده است و بنابراین برخی احساس خوبی در مورد آن دارند. در واقع، ترکیبی از راه‌حل‌های فعالانه مساله محور و یا احساس محور به طور اختصاصی کمک کننده و سودمند می‌باشد. مرفی و همکاران ۲۰۰۳^۳ علاوه بر آن پژوهشی که توسط لی ۲۰۰۳^۴ انجام گرفته است نشان می‌دهد که سبک‌های مقابله و سازگاری مادر محورانه به عنوان یک تسهیل گر میان رخدادها و یا وقایع استرس‌زا و یا خود مقوله افسردگی عمل می‌نماید.

عوامل مبتنی بر موقعیت و شرایط (عوامل شرایط محور)

فراسر و همکاران ۱۹۹۹^۵ میان اثرات منفعلانه مخاطرات در خصوص آن که چه افرادی کنترل کمتری دارند و نیز اثرات واکنش محور که بنا به واکنش‌های دیگران است، برای مثال

1) Herbert, 1998; Hill, 1999; Quinton, 2004.(

2 Stein et al(۲۰۰۰) .

3) Murphy et al., 2003(

4 Lee(۲۰۰۳)

5 Fraser et al. (1999

طرد دوسویه و دو طرفه و یا متقابل و نیز اثرات انعکاسی و بازتابی یعنی در جایی که یک فرد در واکنش به یک رخداد در یک وضعیت کمابیش سازگارانه محور قرار دارد، تفاوت قائل شده-اند. این دسته بندی و طبقه بندی به پژوهش گات و هازل^۱ ۲۰۰۲ که در ارتباط با استرس های والدین و نیز تطبیق و سازگاری در جوامع محروم که در حاشیه و بخش های محروم می باشد، به کار گرفته می شود. با استفاده از آنالیز و تجزیه و تحلیل های رگرسیونی، آنها عوامل حمایتی و حفاظتی ذیل را برای مادران تعیین نموده اند:

- داشتن یک فرزند آرام و بی دردسر
 - نمره پایین بیقراری و ناراحتی (سنجش استرس و فشار روانی)
 - سطوح پایین مشکلات فعلی و یا کنونی
 - داشتن دو کودک و یا یک کودک
 - داشتن یک شریک مقیم در خانواده (مثل همسر)
- بخش های عمده ای از این موارد خارج از کنترل فرد قرار می گیرند، هر چند که برخی (مثل اندازه خانواده) تا حدودی به طور کلی و در اصل از قبل قابل اصلاح می باشد. مطالعات لی سانگ و همکاران ۲۰۰۱ و گاردنر و هارمون^۲ ۲۰۰۲ را مورد ملاحظه قرار دهید. انطباق و سازگاری انعکاس محور که یافته های مناگان^۳ ۱۹۹۷ آن را تایید نموده است نشان می دهد که اشتغال مادران با توجه به ایجاد و شکل گیری یک زنجیره مثبت از درآمدهای پایدار و نیز مقولات خودارزشی و نیز دیگر فرصت ها کمک کننده می باشد.

جنسیت والدین، شخصیت، نگرش ها و گرایش ها

1 Ghate and Hazel's (2002

2) see Li-Tsang et al., 2001; Gardner and Harmon, 2002

3 Menaghan(۱۹۹۷)

پژوهش‌های کمی تفاوت‌های میان مادران و پدران را در معانی و مفاهیم و القائاتی که آنها به بیماری کودکان خود و یا معلولیت آنان نسبت می‌دهند و نیز واکنش‌های آنها به این موارد وجود دارد. برای نمونه یک مطالعه و تحقیق مربوط به کشور انگلیس نشان داه است که والدین کودکانی با شرایط تهدید کننده و وخیم پیامدها و نتایج بهتر و مطلوب‌تر سلامت روانی را نسبت به مادران از خود نشان داده‌اند و این احتمالاً بازتابی از شیوع و کثرت زیاد و نیز مسئولیتهای مراقبتی آن مادران می‌باشد. تحقیقات در خصوص حوزه بزرگسالان همچنین نشان دهنده یافته‌هایی می‌باشد که تاب‌آوری کودکان را با تعیین خصایص و ویژگی‌هایی که به آنها در واکنش متناسب و مطلوب به شرایط دشوار و سخت، کمک کننده می‌باشد، در نظر می‌گیرد. والدینی که به طور موفقیت آمیزی علی‌رغم داشتن فرزندى با مشکلات متعدد سلامتی و یا دیگر مشکلات حاد تطبیق و سازگاری دارند، به نظر می‌رسد که یک نگرش آسان و ساده نگر و نیز یک حس شوخ طبعی و خنده و شادی دارند و این را در موقعیت‌هایی به طور مطلوب و رضایت بخشی ادراک و احساس می‌کنند و یک باور قوی اما منعطفانه هم در این راستا دارند. برسفورد ۲۰۰۰ بوگنتال ۲۰۰۳ و فلچر و کلارک ۲۰۰۳^۱.

روابط والدین_کودک

ثابت شده است که تربیت و رشد منسجم و مناسب و درست با تطبیق و سازگاری مثبت هم در کودک و هم در والدین ارتباط تنگاتنگ دارد، هرچند که استخراج و تعیین دیگر عوامل و سبب‌ها از آن حوزه اثر گذاری دشوار به نظر می‌رسد. برای مثال، کودکانی که با مادران تنها زندگی می‌کنند مشکلات رفتاری کمتری را در زمانی که مادر آنها یک حس قوی از انسجام را دارد از خود نشان می‌دهند. اما این می‌تواند به این معنا هم تفسیر شود که انسجام و پیوستگی

1) Beresford, 2000; Bugental, 2003; Fletcher and Clarke, 2003.

مادرانه سبب کاهش مشکلات می‌گردد و یا اینکه آن مسائل و مشکلاتی را که انسجام و پیوستگی را تضعیف می‌نمایند و یا آن را دچار وقفه و اختلال می‌کند را هم کاهش می‌دهد. گاتلیب^۱ ۱۹۹۸. بطور مشابه پژوهش‌های متعدد یک ارتباط و هماهنگی به لحاظ آماری را میان داشتن یک کودک بیش فعال و نیز هر دو موضوع انضباط سخت گیرانه و خشونت محور و نیز تطبیق و سازگاری ضعیف و در حد کم والدینی را اثبات کرده‌اند. اما جهت دهی و یا مسیر مبتنی بر علل و یا خود فرآیندها هم واضح و مشخص نیستند. مک کی و همکاران^۲ ۲۰۰۴ گزارش نموده‌اند که سبک انضباطی مقتدرانه در خصوص رشد و تربیت کودک با تطبیق و سازگاری مساله محور در ارتباط است و پیامدها و نتایج مطلوب‌تر و بهتری را برای کودکان به ارمغان می‌آورد. گالبی و برثرتون^۳ ۱۹۹۹ روابط مادر_کودک را با در نظر گرفتن طلاق در آنها مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها بدین نحو نتیجه گیری می‌نمایند که مزایا و منافع زمانی محقق می‌گردند که مادران از آن موقعیت بهره بگیرند و همچنین به دیدگاه و نگرش کودک هم حساس باشند.

دسترسی به والدین حمایت گر، شبکه‌ها و افراد حرفه‌ای و متخصصان ذیربط

وجود یک شریک و یا یک همراه حمایت گر نیز باعث حفاظت و صیانت مطلوبی از شرایط دشوار و سخت برای شرکاء و اعضا می‌شود و این مساله به طور خاص همین که تنش‌ها و درگیری‌های آن یار و یا شریک جدی‌تر و شدیدتر می‌شود، آن مساله اهمیت دو چندان و مهم تری پیدا می‌کند. کلیور و همکاران^۳ ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ بانتینگ و ام سی الویی^۴ ۲۰۰۴ و لمب

1) Gottlieb, 1998(

McKee et al. (20042

3 Golby and Bretherton (1999

و تمیس لمونادا^۱.۲۰۰۴ طیف گسترده‌ای از تحقیقات حاکی از آن است که والدینی که در فقر به سر می‌برند و یا با شرایط سخت و دشواری دست و پنجه نرم می‌کنند معمولاً در زمانی که آنها یک رابطه یا روابط نزدیک و صمیمی بیشتری خارج از خانواده دارند بهتر و مطلوب‌تر تطبیق و سازگاری پیدا می‌کنند و جمیع اینها برای حمایت عملی، احساسی، و آموزشی هم کمک کننده و تاثیرگذار محسوب می‌شوند. ارفورد ۱۹۸۵ گلیگان ۱۹۹۹ بی و هزل ۲۰۰۲^۲ و در بیشتر اوقات این به طور غیر رسمی می‌باشد اما برای والدین تنها دسترسی به هسته‌های اصلی خانواده و یا دوستان و آشنایان و یا افراد متخصص و حرفه‌ای دیگری یک تفاوت عمده و معنادار را سبب می‌شوند. هاج کینسون و لستر ۲۰۰۲ کرک ۲۰۰۳ و نیومن ۲۰۰۴ و کوینتن ۳.۲۰۰۴

در مواقعی که آنها با یک چالش جدی و غیر معمول مواجه هستند (مثلاً داشتن یک کودک با معلولیت و نقص خاص) این مساله می‌تواند به صورت ویژه کاهش دهنده استرس و فشار روانی برای والدینی باشد که موارد دیگر را در موقعیت‌های مشابه خود ملاقات می‌کنند. این ممکن است نیازمند کمک‌های حرفه‌ای کارشناسی شده برای کنار هم آوردن والدینی که با مسائل مشابه دست و پنجه نرم می‌کنند، باشد که نیازمند حمایت‌های مشترک و دوسویه می‌باشند. کوچران و همکاران ۱۹۹۰ و دنت و کامرون ۴.۲۰۰۳

نقش عاملیت و رویکردهای حرفه‌ای و متخصصان برای والدین

1) Cleaver et al., 1999, 2000; Bunting and McAuley, 2004; Lamb and Tamis-Lemonda, 2004.(

2 Orford, 1985; Gilligan, 1999b; Ghate and Hazel, 2002(

3) Hodgkinson and Lester, 2002; Kirk, 2003; Newman, 2004; Quinton, 2004.(

4) Cochran et al., 1990; Dent and Cameron, 2003.(

شواهد عمده و قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد که والدین در شرایط سخت و دشوار به طور خاص خدماتی را ارج می‌نهند و ارزش گذاری میکنند که آن خدمات مورد قبول و غیر تبعیضی و فاقد برچسب زنی و نیز منعطفانه باشد. همچنین به طور تکرار شونده این مساله هم دریافت شده است که اگر آن خدمات با یک هدف و یک تمرکز بیشتر از آنکه بر اولویت‌های حرفه‌ای و متخصص محورانه باشد بر نگرانی‌ها و دغدغه‌ها معطوف باشد و کمک کننده تلقی می‌شود و آنها تخصص والدینی را نیز ارج می‌نهند و قدردان آن هستند. اسلاپر ۱۹۹۹ و کوینتن ۲۰۰۴.^۱

دسترسی به افراد متخصص و کارشناس نیز به طور قابل ملاحظه‌ای برای والدینی که درگیر تقاضاها و یا درخواست‌های احساسی و عملی مراقبت محور برای کودکانی که مبتلا به نقص عضو جدی و شدید هستند کمک کننده می‌باشد. هاج کینسون و لستر ۲۰۰۲.^۲ پژوهش - های متعدد حاکی از آن است که والدین در زمانی که افراد متخصص و کارشناس در خصوص ماهیت و یا اثرات و تبعات آن نواقص و معلولیت‌ها با صداقت و راستی برخورد می‌کنند و نیز حساسیتی به اضطراب‌ها و یا نگرانی‌های والدین دارند و این با یک تصدیق و تایید دانش والدین که مبتنی بر مراقبت روزانه می‌باشد هم همراه باشد، و آن را به بحث می‌گذارند عملکرد تطبیق و سازگاری مطلوب‌تر را از خود نشان می‌دهند.

هم چنین به طور مشابه بررسی و مطالعه و تحقیقات مرتبط با والدینی که فرزندان خود را در اثر مرگ طبیعی و یا غیر طبیعی یا جدایی و یا حضانت و با فرزندخواندگی از دست می‌دهند، نشان دهنده آن است که چگونه استرس یا فشار روانی تحت تاثیر رازداری و یا

1 Sloper, 1999; Quinton, 2004.(

2) Hodgkinson and Lester, 2002.(

خاموشی و فراموشی و غفلت و یا بی‌توجهی شدت می‌گیرد (ازدیاد می‌یابد) در حالی که بازگشت موفقیت‌آمیز متاثر از اطلاعات درست و صادقانه و کامل به مرحله تکمیلی خود نائل می‌شود. برای نمونه تحقیقات و پژوهش مرتبط با تری سلیوتیس و همکاران¹ ۱۹۹۷ را مورد بازبینی و توجه قرار دهید.

تاب‌آوری خانواده

در حالی که آثار مکتوب و یا نوشته‌های کم‌واندکی به طور آشکار به حوزه تاب‌آوری می‌پردازند (به غیر از موارد مرتبط با کودکان بیمار و یا ناتوان و معلول)، اما با این وجود، طیف گسترده‌ای از تحقیقات و مطالعات حول تاب‌آوری خانواده هستند که در آن ادراکات و شناخت‌های والدینی و نیز رفتار آنها در مرکز توجه قرار دارند. این مساله بر خصایص و ویژگی‌هایی در خانواده‌ها از قبیل در نظر گرفتن آنها به عنوان یک کل که می‌تواند به آنها در انطباق و سازگاری در بحران‌ها و بلایا و یا مشکلات و معضلات نسبت به بقیه و یا افراد دیگر کمک نماید، تاکید و تمرکز دارد. خانواده‌ها به طور کلی به عنوان یک سامانه و یا یک نظام‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که اقدام و تعامل دارند و واجد ویژگی‌ها و یا خصایص جمعی و مشترکی از قبیل ادراک و فهم و یا به طور کلی شناخت، ارتباطات، تعاملات، نقش‌ها، مناسک و آداب و رسوم می‌باشند. والش اینها را در سه مجموعه و یا دسته قرار می‌دهد:

▪ نظام باور و یا اعتقاد (به طور خاص اعضای خانواده مخاطره، ریسک، استرس و

فشار روانی را چگونه می‌بینند)

▪ الگوهای سازمان یافته و منسجم (وابستگی، منابع، انعطاف پذیری)

▪ فرآیند ارتباطات و تعاملات (وضوح و شفافیت، بیان عواطف، حل مساله)

1) e.g. Triseliotis et al., 1997

همگام با حوزه تاب‌آوری والدین، منابع فردی به نظر می‌رسد که به تاب‌آوری خانواده‌ها در هنگام مواجهه با بحران‌های داخلی و خارجی که دقیقاً شبیه به مجموعه‌ای از عوامل و فاکتورهایی می‌باشد که در ادبیات تحقیقات مرتبط با تاب‌آوری کودکان هم مشهود و ملموس بوده‌اند و در آنجا به کار گرفته شده‌اند. و این فاکتورها به طور ویژه در زمینه: هوش، دانش، شوخ طبعی، مقاومت در شرایط دشوار، داشتن سلامت عمومی و مطلوب، احساس تسلط و غلبه بر مشکلات، عزت نفس و خود ارزشی مطلوب، می‌باشند^۱ (والش ۱۹۹۸ و ام سی کوبین و همکاران ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹)^۱ جای تعجب و شگفتی نیست که بگوییم که منابع اصلی تاب‌آوری خانواده_محور که تعیین و مشخص شده‌اند به طور قابل توجهی به میزانی که اعضای خانواده‌ها همکاری و همیاری دارند و به طور مستقل هم فعالیت می‌نمایند و یا این که در موارد تعارضات و بحران‌ها کنار هم هستند، بستگی دارد. خانواده‌هایی که به طور مطلوب و شایسته-ای در شمار گسترده‌ای از بحران‌ها واکنش نشان می‌دهند بر آن هدف هستند که ارتباطات باز و زیاد و شفاف و مشخصی در میان والدین و نیز در میان کودکان و خود والدین داشته باشند و ارزش‌ها و هنجارها و نیز اهدافی را به اشتراک می‌گذارند و همچنین تمایلاتی هم به تغییر و اصلاح دارند. دالی ۱۹۹۶ و لزار و مالدونادو^۲ ۱۹۹۶.

ام سی کوبین و همکارانش ۱۹۸۳-۱۹۹۶-۱۹۹۹^۳ مدل تاب‌آوری فشار خانواده، انطباق و سازگاری را تدوین نموده‌اند که شاخه‌ای از نظریه فشار روانی خانوادگی می‌باشد. متناظر و همگام با این مدل، مدل دوگانه **ABCX** می‌باشد که مجموعه چهارتایی از آن عوامل در قبل و بعد از بحران‌ها مورد بررسی و آزمایش قرار می‌گیرند:

1 Walsh, 1998; McCubbin et al., 1996, 1999.(

2) Daly, 1996; Lesar and Maldonado, 1996(

3 McCubbin and colleagues(۱۹۹۹, ۱۹۹۶, ۱۹۸۳)

A = عوامل ایجاد استرس و فشار (استرسورها)

B = منابع و حمایت ها

C = معنا و مفهوم استرسورها (عوامل ایجاد فشار)

X = ماهیت واکنش و پاسخ به بحران

این مدل نه تنها تعاملات و درهم کنش‌های مرتبط با فرآیندهای درونی و یا بیرونی را تایید و اثبات نموده است بلکه همچنین اهمیت تجارب قبلی را در مواجهه و رویارویی با چالش‌ها و بحران‌ها مورد تاکید و تایید قرار داده است. ام سی کوبین و همکاران ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹.^۱ آنها همچنین ایده تراکم و روی هم انباشتگی را به وجود آورده اند یعنی در جایی که فشارهای روانی و یا عوامل و فاکتورهای استرسی تکرار شونده سبب افزایش میزان آسیب پذیری می‌گردند.

تیپولوژی و یا نوع شناختی مرتبط با انطباق و سازگاری همچنین به این مدل افزوده شده است و بنا دارد که چرایی احیاء و بازگشت موفقیت آمیز به زندگی را در خانواده‌ها و نیز قرار گرفتن برخی در دام آسیب پذیری و یا وضعیت وخیم و نگران کننده و رو به پسرفت برخی دیگر را بعد از بحران تبیین نماید. ابعاد کلیدی و برجسته که در خلال طیف گسترده ای از این نمودارها و مقیاس‌ها استاندارد شده به کار گرفته شده است از این قرارند:

▪ فشارها، استرس و آسیب پذیری (بر اساس حوادث و رویدادهای زندگی، تغییرات

و یا خود عوامل فشار)

▪ مقاومت و منابع تاب آور (برای مثال مقیاس های سختی خانواده، سنت ها،

حمایت اجتماعی)

1) McCubbin et al., 1996, 1999.

▪ حل مساله و مقابله و سازگاری(به طور واضح و صریح به عنوان مقابله و سازگاری برچسب زده می شوند اما برخی نیز با موضوعات دیگر برچسب گذاری می شوند به عنوان مثال؛ جهت گیری در بحران)

▪ ارزیابی، انسجام و طرح (دو موردانسجام در سازگاری و الگوی خانوادگی)

▪ سازگاری و انطباق (وابستگی و تعلق، رفاه و بهزیستی، پریشانی و نگرانی)

معیارهای کلی (وضعیت خانوادگی، بازسازی و احیا)

روی هم رفته، این موارد ادراکات و شناخت و نیز واکنش‌های اعضای فردی خانواده‌ها را ترکیب و سنتز می‌نمایند که در مورد هر کدام از آنها والدین تمایل دارند به عنوان موثرترین اعضا شناخته شوند و این با در نظر گرفتن تعاملات و واکنش‌های خانواده‌ها می باشد.ام سی کوبین و همکاران¹ ۱۹۹۶، که تا حدود زیادی مطالعات و تحقیقات آنها پیرامون بیماری‌های مزمن، می باشد خاطر نشان می‌سازند که هر خانواده یک برنامه مدون منفرد و مجزا دارد که ترکیبی از اعتقادات، استانداردها و معیارها و نیز اولویت‌های آنها می‌باشد که سبب شکل گیری روش‌هایی است که آنها به سنجش و ارزیابی آن موقعیت بحرانی و نیز واکنش به آن می‌پردازند.از این رو، متعاقب آن، توانایی و یا توانمندی فردی اعضای خانواده‌ها و نیز خود خانواده را به عنوان یک واحد که در تطبیق و سازگاری با آن استرس‌ها و فشارهای روانی می‌باشد را متاثر می‌سازد.

تطابق و سازگاری توسط خانواده‌ها در چهار روش عمل می‌کند:

▪ عملیات مستقیم برای ریشه کنی و یا کاهش نیازها و ضرورت ها

▪ اقدام برای بدست آوردن منابع تکمیلی

1 McCubbin et al. (1996)

▪ مدیریت تنش‌ها (به عنوان مثال در نظر گرفتن اوقاتی برای بیرون رفتن و تفریح،

شوخی طبیعی و بذله‌گویی، ورزش و تمرین)

▪ ارزیابی باورها و ارزش‌ها

خانواده‌ها در نظر دارند از این روش‌های موجود در خصوص‌اندیشه ورزشی و پیوند دادن بهره‌برداری نمایند، مگر این که آنها غیرموثر و ناکارآمد باشند. و تنها بعد از آن، رویکردهای دیگر مورد امتحان قرار می‌گیرند. یادگیری از گذشته و تطابق و سازگاری موفقیت‌آمیز نیز در ارتباط با بحران‌های موجود اخیر کمک می‌کند اما عادات و رسوم، تطبیق و سازگاری را برای بحران‌های جدید دشوار و پیچیده می‌کند. با توجه به شواهد تجربی نویسندگان و مولفان بدین نحو نتیجه‌گیری می‌نمایند که خانواده‌هایی که به لحاظ عاطفی دارای احساسات نزدیک هستند، حس قوی از هدفداری و معنا در زندگی را دارند و نیز انعطاف پذیر هستند و این هدف را در نظر دارند که بیشتر کنار هم باشند و اوقات بیشتری را با هم صرف نمایند و جشن‌ها و موارد متداول و مرسوم را هم مورد توجه قرار می‌دهند و در ضمن به آنها هم بها می‌دهند. چنین خانواده‌هایی معمولاً نتایج و پیامدهای بهتر و مطلوب‌تری نسبت به خانواده‌هایی که در این خصوصیات و ویژگی‌ها نمره پایین‌تری را کسب نموده‌اند، را بدست آورده‌اند. مهم‌ترین و غالب‌ترین منابع خانواده‌ها که در اینجا تعیین و مشخص شده است همان مقوله انسجام می‌باشد. (پیوندها و یکپارچگی که در یک خانواده به مرور زمان شکل گرفته است و ادامه دارد). دیگر عوامل؛ انسجام خانواده، رهبری و سرپرستی، توافق و همراهی و نیز شفافیت روابط و سبک‌های حل مساله می‌باشد.

یکی از مزایای این رویکرد بدین گونه است که اثرات و تبعات مشترک و نیز نقاط اشتراکی که در خانواده‌ها رخ می‌دهند را هم به نحو مطلوبی نشان می‌دهد. اما در اینجا خطر تمرکز و دقت بیشتر را بر روی علائق و اختلافات و یا تفاوت‌ها و نیز تنش‌های فردی نشان می‌دهد. آثار نگاشته شده در خصوص تاب‌آوری در خانواده‌ها معمولاً به طور مشترک این نکته را با هم به طور مفروض دارند که همه خانواده‌ها یک گرایش را نسبت به هم ماندن و اتحاد دارند که تعادل و توازن قبلی را هم احیا و بازسازی می‌نمایند و نیز هماهنگی و همسویی و همگامی را با هم حفظ می‌کنند و این در زمانی است که آنها با یک چالش روبرو هستند و این لازمه موفقیت محسوب می‌شود. هر چند که این ممکن است خانواده‌های زیادی را در ارتباط با شرایط دشوار و سخت بیرونی قرار دهد اما با این وجود آسایش و رفاه و یا به طور کلی بهزیستی تک تک افراد می‌تواند با جدایی در مجموعه شرایطی، اعتلا و ارتقاء یابد و این به طور مشخص و معین آن دسته از مواردی را که خشونت فراخانوادگی یا به تعبیر مناسب‌تر برون‌خانوادگی را تحت پوشش و انضمام خود قرار می‌دهند را نیز در بر می‌گیرد.

کاربردها برای سیاست‌گذاری و اقدامات و فعالیتهای

رویکردهای تاب‌آوری در حوزه سیاست‌گذاری و عملیات و اقدامات بیشتر بر حل مسائل تاکید دارند اما با یک تاکید خاص بر کار در خصوص سرمایه‌های موجود فردی و نیز زیست محیطی و یا تدوین موارد نوین و جدید هستند. (یاتیس و مستن ۲۰۰۴)^۱. برای نمونه در ارتباط با کودکان تحت مراقبت گلیگان و همکاران ۱۹۹۷-۲۰۰۰-۲۰۰۱^۲ ارزش و قدر موارد عاطفی اولیه و ایمن را تایید نموده‌اند اما در جایی که این تلاشها نتیجه بخش نباشند،

1) Yates and Masten, 2004

2 , Gilligan(۲۰۰۱ , ۲۰۰۰ , ۱۹۹۷)

یادآوری می‌کنند که به دیگر عوامل بالقوه تاب‌آوری از قبیل رابطه با یک غیر خویشاوند مطمئن و قابل اعتماد و مدرسه و یا دیگر سرگرمی‌ها و یا تفریحات متوسل شد.

محققان حوزه تاب‌آوری همچنین در نظر دارند که یک رویکرد کل نگر را به کار گیرند و یک مداخلاتی را با یک مجموعه ارائه خدمات یکپارچه که در بردارنده خانواده‌ها، کودکان و اجتماعات و تشکلهای می‌باشد را هم تدوین نمایند. (لوتار و همکاران ۲۰۰۰ و یاتیس و مستن ۲۰۰۴)^۱. همچنین پیشنهاد شده است که اقدامات و فعالیت‌های آغازین می‌بایست نقاط قوت و نیز منابع را تعیین کند و نیز بر روی آنها هم تاکید نماید و همچنین بر پیوند و ارتباطات محلی و بومی و گروه‌ها و نیز ارتباط دادن افراد و اشخاص با یکدیگر، متمرکز باشد. تشکیل ارتباطات و روابط بر اساس مراقبت و احترام و نیز اعتماد همچنین توصیه شده است.

گلیگان ۲۰۰۱^۲ ایده‌های مختلفی را از حوزه ادبیات تحقیقات تاب‌آوری پیشنهاد داده است که می‌تواند برای مثال به حوزه سیاست گذاری و حوزه عملیات و اقدامات نیز تسری یابد:

- هر چند که مداخلات اولیه مورد توجه هستند، اقدامات تحول محور، حتی برای کودکان بزرگسال و مشکلات ریشه دار هم کارا و موثر هستند.
- انتقالات و جابجایی‌ها به نظر می‌رسد که به طور خاص فرصت‌های مفید و سودمند و یا پرباری را برای مداخلات به وجود می‌آورد (موارد مرتبط با نیومن و لک برن را مورد ملاحظه قرار دهید ۲۰۰۲)^۳

1) Luthar et al., 2000; Yates and Masten, 2004

2 Gilligan (۲۰۰۱)

3) see also Newman and Blackburn, 2002.(

▪ والدین و افراد در حوزه اقدام یا حوزه حرفه ای (کارشناسان و متخصصان) می توانند نقاط مثبت را در طیف وسیعی از حوزه‌های متنوع و مختلف از جمله مدارس و دیگر مجموعه‌های تفریحی ارتقا دهند. آنها نباید مطابق فرآیندهای کمک‌رسانی غیر رسمی وارد شوند.

▪ پیشرفت مطلوب در یک حوزه ممکن است از دیگر حوزه‌ها هم سبقت و یا پیشی بگیرد.

آثار مکتوب و نگاشته شده در حوزه تاب‌آوری به طرح‌هایی اشاره دارد که به دنبال کمک به افراد در مواجهه با شرایط سخت و دشوار می‌باشند که اینها به تاب‌آوری هم مرتبط می‌شوند، هر چند که بسیاری از اینها بر اساس مدل‌های تاب‌آوری نباشند، اما به طور دقیق به دیدگاه‌ها و نظرات مرتبط از قبیل حمایت از خانواده و نیز در برخورد و مواجهه با مخاطرات و همچنین مداخلات اولیه و آموزش‌های مرتبط با والدین (برای مثال نیومن ۲۰۰۴)^۱ متکی هستند. با این وجود، برخی از این نمونه‌های مرتبط با فعالیت‌ها در زمینه یک تاب‌آوری شفاف و آشکار و نیز چارچوب‌های مرتبط با نقاط قوت توصیف شده‌اند و بیشتر آنها بیش از آنکه به تاب‌آوری والدین اشاره داشته باشند، به تاب‌آوری کودکان بیشتر اشاره دارند.

نمونه‌های مرتبط با جامعه آمریکا (سالیبی اسچون و باینر ۲۰۰۳ و برنارد ۲۰۰۴ و نیومن ۲۰۰۴)^۲ شامل موارد ذیل می‌باشند:

▪ آموزش معلمان و مربیان در حوزه استراتژی‌ها و راهبردهای مرتبط با افزایش و ارتقاء تاب‌آوری برای توسعه و رشد دامنه دلبستگی و تعلق کودکان، احساس

1) e.g. Newman, 2004(

2) Saleeby, 2002; Schoon and Bynner, 2003; Benard, 2004; Newman, 2004(

تسلط و غلبه بر شرایط، صلاحیت و شایستگی اجتماعی و نیز دسترسی به منابع بیرونی.

■ آموزش و توجیه دست‌اندرکاران و متولیان در حوزه سوء مصرف مواد برای تغییر رویکرد از مدل ریسک محور به مدل تاب‌آوری محور

■ توانمند سازی کودکان برای سرمایه گذاری در حوزه حمایت اجتماعی از طریق خط تلفن امدادی و ارائه مشاوره با اعضای مسن تر خانواده.

در کشور انگلستان، بارناردو، چندین طرح را در چارچوب تاب‌آوری تشکیل داده است و ارزشیابی‌های اندک و کمی نیز در حال شکل گیری می‌باشند و برخی از آنها نیز در حال پیشرفت و توسعه هستند. نیومن و بلک برن ۲۰۰۲ و نیومن ۲۰۰۴^۱.

■ برنامه ماتریکس(نوعی برنامه مدون مطرح شده) در نظر دارد که خطر اهانت و توهین و نیز رفتارهای ضد اجتماعی را از طریق مداخلات در سطح محیط‌های خانه، مدرسه و نیز اجتماع کاهش دهد. یافته‌های اولیه حاکی از آن است که برنامه مورد نظر به طور مثبتی بر رفتار کودکان و نیز بر پیشرفت آموزشی و درسی تاثیر گذاشته است، اما تغییر نگرش‌ها و رفتارهای والدین دشوار می‌باشد. مک لور و مودی ۲۰۰۲^۲.

■ مجموعه خدمات ارک(Arch) برای تامین مداخلات اولیه برای نیازهای احساسی و رفتاری کودکان بین سن ۵ تا ۱۳ سال تدوین شده است. بازخوردهای

1) Newman and Blackburn, 2002; Newman, 2004.(

2) McIvor and Moodie, 2002.(

کارکنان نشان دهنده آن است که تغییرات مثبتی در شرایط کودک به وجود

آمده است.(دولینگ، غیر منتشر شده).^۱

یک دیدگاه و چشم انداز تاب آوری نیز به تدوین مداخلاتی برای کودکان در معرض مشکلات سلامت روانی، پرداخته است. پلاس و همکاران ۲۰۰۲. مجموعه خدمات شهری لندن یک ساختار و چارچوب تاب آوری را برای استحکام خدمات کودکان به کار گرفته است و سیستم دیگری هم به طور فعال به همین کار پرداخته است.

منبع:

Parenting and Resilience: Malcolm Hill, Anne Stafford,

PeterSeaman, Nicola Ross, Brigid Daniel

ترجمه و گردآوری: فاطمه محمدی_مددکار اجتماعی

انتشار یافته در مجموعه رسانه های مددکاری اجتماعی ایرانیان

www.iraniansocialworkers.ir

1) Dowling, unpublished.(

2) Place et al., 2002(